

نگاه

«فرهنگ معاصر»، تو هم؟

■ «فرهنگ نقل قول مشاهیر (به روایت انتشارات آکسفورد)» نام کتابی است که به تازگی از سوی «فرهنگ معاصر» (کتاب فرس) به بازار کتاب عرضه شده است. درباره این کتاب گفتنی و نگفتنی بسیار است. ضمن اینکه از انتشارات معتبری همچون فرهنگ معاصر انتظار رزیزبینی و دقت نظر بیش از اینها می‌رود. انتخاب عنوان کتاب، نخستین گفتنی‌ای است که می‌شود به آن اشاره کرد. این عنوان ترجمه دقیق عنوان انگلیسی نیست و شاید به امید جذب مخاطب بیشتر این نام پرمطمراق را برگزیده است. فرهنگ و فرهنگ‌نویسی و برگزیدن فرهنگ‌های معتبر و شاخص یکی از چشمگیرترین وظایفی بود که این ناشر محترم را بدو تالیس خود عهددار شده بود. شاید به اعتبار نام همین ناشر است که بسیاری از محققان و فرهنگ‌پژوهان درصدد تهیه و ایتباع آثار منتشرشده‌اش برمی‌آیند. پس هرچه ناشر خوشنام‌تر باشد وظیفه‌اش در گزینش و بررسی آثار خطیرتر و دشوار تر می‌شود.خاصه که کتاب مورد نظر فرهنگ باشد؛ کنایی که نه‌تنها برای یکبار خواندن نیست بلکه در زمره کتب مرجع قرار می‌گیرد؛ کنشی که در قفسه کتابخانه می‌نشینند و از خوش‌قبالی بارها و بارها مورد کنکاش و استناد واقع می‌شوند. جای توضیح ناشر بر این کتاب در صفحه نخست خالی است. از ناشرانی چون فرهنگ معاصر و زیرمجموعه‌هایش انتظار است که کارها را کارشناسانه برگزینند و به مترجم یا گروه مترجمان زنده بسپارند؛ ناشر باید از مرجعیت و وثاقت این فرهنگ در زبان مبدا اطمینان حاصل کند. اکثفا به قول مترجمان گرامی که از سر طبع‌آزمایی یا تفتن به خود جرأت می‌دهند دست به ترجمه آثار بزنند، دست‌کم در حوزه فرهنگ و فرهنگ‌نویسی مجاز نیست. حال که جای چنین یادداشتی خالی است، ناگزیریم پرسش‌هایی را با ناشر محترم در میان بگذاریم؛ وقتی می‌گوییم فرهنگ، انتظا‌رمان مواجه شدن با مجموعه‌ای است که تا حد امکان جامع و ملع باشد؛ یعنی گردآورنده یا گردآورندگان تمامی مسأله‌ی خود را صرف جمع‌آوری نمونه‌ها کرده باشند. بزرگ‌زکن مفاهیم در ۲۷۷ مفهوم (مطابق متن انگلیسی کتاب) برداشتن سنگی بزرگ است. ذیل مفهوم ایده‌آلیسم در ص‌حه ۱۶ کتاب فقط سه نقل‌قول آمده است. آیا به چنین کاری می‌شود عنوان فرهنگ داد؟ و آیا فقط سه نفر از مشاهیر هستند که درباره این مفهوم در غرب اظهارنظر کرده‌اند؟ آن هم مارتین لوتر کینگ، اسکار وایلد و دیلوی بی‌تس؟

– وقتی از مشاهیر نام می‌بریم آیا حق داریم جملات منسوب به گمنامان را هم بیابوریم؟ نگاه کنید به صفحه ۱۷ و ۱۵ و ۴۱ و ۵۶ و بر بسیاری موارد که جملاتی از اجیل نقل شده است. این جملات را آیا می‌توان در ذیل جملات مشاهیر طبقه‌بندی کرد؟

– لازمه انتخاب کتابی برای سپردن به دست مترجم از سوی یک ناشر معتبر، مفید فایده بودن مطالب آن است، خاصه در حوزه نقل‌قول که معمولا سرمشق قرار می‌گیرند. به نظر ناشر محترم از این جمله چه معنا و درسی مستفاد می‌شود؟

Had silicon been a gas, I would have been a major- general by now.

ترجمه: اگر سیلیکون جزو گاز‌ها می‌بود، من هم تاکنون یک سرلشکر شده بودم.
– به مقدمه مترجم نگاه کنید و یکبار دیگر آن را با دقت نظر بخوانید. از موارد نحوی و نگارشی که بگذریم، مترجم با استناد به کتاب، به فرهنگ جهانی در برابر سخنوران سرزمین ایران کم‌لطفی کرده است. سوال اینجاست که مترجم محترم چه میزان از میراث فرهنگی جهان را مورد مطالعه قرار داده که چنین نتیجه عمو‌لانه و کور کورانه‌ای گرفته است؟

– وقتی جملات از انگلیسی به فارسی برگردانده می‌شوند آیا نباید ابتدا جمله انگلیسی بیاید و سپس ترجمه فارسی آن؟

–شیرینک کردن (الفاف) ظاهر کتاب را خوش‌نما‌تر می‌کند و برای کتب نفیس و شناخته‌شده مناسب است. این کار معمولا در مواردی کاربرد دارد که متن، نویسنده، مترجم و ناشر چندان قابل اعتماد هستند که می‌شود با چشم بسته کتاب را خریداری کرد. ما معمولا وقتی مترجم یا نویسنده‌ای را نمی‌شناسیم ناگزیریم به اصطلاح عوام کتاب را به شرط چالو خریداری کنیم؛ اینکه برای تروق دستمان باز باشد و حتی دو سه صفحه‌ای را به شکل تصادفی مطالعه کنیم و بعد مبلغ قابل توجهی برای خرید آن کتاب بپردازیم. در مورد کتاب‌هایی مانند کتاب مورد بحث، به خریدار (خاصه خریدار دانشجو) به محض باز کردن شیرینک و بررسی کتاب احساس مغبنویت دست می‌دهد که دربرابر پراخت ۱۸۰۰۰ تومان، کتابی خریده است که حتی نامش با نام کتاب اصلی تطبیق ندارد!اگر حسن‌نیت در کار است آیا شیرینک کردن چنین کنایی جایز است؟
– در ادامه موارد لغزش در ترجمه را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا ببینیم چه میزان این وعده عمده شده است؟
– اشتباه در ترجمه یا عدم درک درست مفهوم One can not carry one’s father’s corpsab-out every where.

ترجمه کتابی: نمی‌توان جنازه پدر خود را به هر سو کشند.
ترجمه صحیح: کسی نمی‌تواند جسد پدر دیگری را به هر سو بکشاند (معادل فارسی آن می‌شود: کسی نمی‌تواند پدر دیگری را در بیابارد).
Actions receive their tincture from the times, and as they change are virtue made or crime.
ترجمه کتاب: زمامه به رفتار ویژگی می‌بخشد. فضایل و جرایم نتیجه تغییر رفتارها هستند.
ترجمه صحیح: اعمال بر اثر مرور زمان دگرگونی‌هایی جزیی می‌یابند و بر اثر همین تغییرات است که پرهیز گارانه یا مجرمانه می‌شوند.

گروه کتاب، شرق: کتاب معنای زندگی از نگاه مولانا و اقبال که دیدگاه‌های این دو فرزان‌ه را در باب حقیقت زندگی مطرح می‌کند، پس از یک سال به چاپ دوم رسیده است. این کتاب که برنده «جایزه فصل» نیز شده است و ترجمه آن از سوی هیات داوران مورد تمجید قرار گرفته، تحقیقی است عالمانه از دکتر «نذیر قیصر» مثنوی‌پژوه و اقبال‌شناس پاکستانی که با ترجمه «دکتر محمدبقایی‌ماکان» از سوی انتشارات «تهران» منتشر شده است. کتاب مذکور سومین اثری است که مترجم از این مولف به فارسی برگردانده است. دو اثر دیگری که بقایی‌ماکان از این مولف ترجمه کرده، عبارت‌ند از: اقبال و شش فیلسوف غربی، و نقد روانشناسی و روانکاوی غرب. از آنجا که مترجم خود از اقبال‌شناسان صاحب‌نام است مطالبی نیز به عنوان توضیح در باورقی‌ها و انتهای کتاب افزوده که بر غنای بیشتر این اثر تاثیر داشته است. از این رو با توجه به محتوای کتاب با مترجم به گفت‌وگو نشستیم و دیدگاه‌های مطرح نویز در عنوان توضیح در باورقی‌ها و انتهای کتاب افزوده که بر غنای بیشتر این اثر تاثیر داشته است. از این رو با توجه به محتوای کتاب با مترجم به گفت‌وگو نشستیم و دیدگاه‌های مطرح پیش روی شماست.

■ ■ ■

۱۴ شاخصه‌های معنابخش زندگی انسان چیست؟

به نظر برای پاسخ دقیق به این پرسش، ابتدا باید تکلیف انسان را معلوم کرد. آدمیزادگان از منظر انسانیت مرتبسی دارند که از کمترین سطح تا عالی‌ترین مرتبه قابل تقسیم‌بندی هستند. همان‌طور که میان ظلمت و نور بی‌نهایت رنگ خاکستری وجود دارد، شاخصه‌های معنابخش زندگی نیز برای هر طیفی از آدمیان متفاوت است و نمی‌توان الگویی خاص برای همه آنان در نظر گرفت، بنابراین شرح موضوع این پرسش موکول به کشف حقیقت محول آن است. برای آنکه پیراهنی برای کسی تنهید کنید باید اندازه فیزیکی او را بدانید. همین مثال قابل تطبیق با ذهنیت انسان‌هاست. ولی اگر بخواهیم آدمیان را بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های فرهنگی و محیطی به طور کلی در نظر بگیریم، به نظر می‌رسد زندگی هر انسانی با سه اصل دارای معنا می‌شود. این سه اصل در تمام ادیان و نحله‌های فکری پذیرفته شده و هیچ انسانی نیست که دارای عقل سلیم باشد و نخواهد که زندگی خود را براساس آنها قرار دهد. اصول موردنظر عبارت‌ند از: اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک. یعنی الگویی که بعد در دین مبین هم در قالب اصطلاحاتی مانند «قول معروف»، «قول احسن» و «عمل صالح» به عنوان شاخصه‌های معنابخش زندگی بسیار مورد تاکید قرار می‌گیرد.

۱۵ امید اجتماعی با معنای زندگی چه رابطه و نسبتی دارد؟

اگر در محفل جامعه‌ای نشانی از نور امید نباشد، یعنی آن جامعه با زندگی واقعی فاصله بسیار دارد. بنابراین عدم امید در فرد و جامعه یعنی بی‌معنا بودن زندگی. امید مقوم زندگی است و آدمی چنان که معروف است به امید زنده است. هرکس که این عنصر را از زندگی خود حذف کند از کاروان توفیق وامی‌ماند. زندگی حافظ می‌تواند الگویی در این خصوص باشد که اگر پس از مرگ فرزندش امید به زندگی را از دست می‌داد و زانوی غم در بغل می‌گرفت، فرهنگ بشری از وجود چنین گوهری محروم می‌شد. وقتی «قره‌العین» او به آسانی از جهان می‌رود و کارش را مشکل

محمدعلی عسگری



با آغاز دوران جدید و متزلزل شدن ساختار فتو‌دلی جوامع مسلمان و همزمان با آن، پیدایش نوعی سرمایه‌داری ابتدایی و کپرنگ و هجوم استعمار، کشورهای اسلامی گویی از خوابی قرون وسطایی به درآمده و درگیر با مسائل جدیدی در مساحت‌های اندیشه و عمل شدند. چالش‌های متعدد و هولناکی فرا‌روی آنها پدیدار شد که باید از آنها عبور می‌کردند و یکی از این چالش‌ها بازگ‌ری در اندیشه خود بود. از ای‌سن‌رو در ای‌ن زمینه دو رویکرد عمده به ظهور رسید که یکی «احیایارانه» و درصدد بازسازی «اسلام نخستین» و «بازگشت به خویش» بود که بعدها به مسلک «سلفی» شهرت یافت و دیگری تلاش برای «سازگاری با عصر جدید» و تکیه بر «علوم طبیعی» و «میراث لیبرالیسم غربی» که در نهایت زیر عنوان «تجددگرایانه» دسته‌بندی شد.

هر چند تاکنون که بیش از یک قرن از این تلاش‌ها می‌گذرد، هیچ یک از این دو گرایش نتوانسته‌اند به پیروزی رسیده و سکان هدایت جوامع اسلامی را به طور کامل در اختیار بگیرند. اما تحولات بعدی از جمله نبرد با استعمار و کسب استقلال و پدیدار شدن نظام‌های ملی و شبه‌سوسیالیستی، رشد جریان سرمایه‌داری ویسته و روی کار آمدن پادشاهی‌های دینی و عشایری و رژیم‌های استبدادی همه و همه موجب شد تا اندیشه‌ورزان دینی را دچار چالش‌های تازه‌تری کرده و آنها را به کشف یا ارایه رهنمودهای جدید وادار کند. رفته‌رفته خارج از نهادهای رسمی دینی که در حوزه‌ها و مدارس دینی از ال‌زهر گرفته تا قزوین خلاصه می‌شد، جنبش‌ها و حرکت‌های

کتاب



گفت‌وگو با محمد بقایی‌ماکان به بهانه چاپ دوم «معنای زندگی از نگاه مولانا و اقبال»

زندگی، زمان، مرگ

می‌کند با متانت و لحنی امیدوارانه می‌گوید:

ساروان بار من افتاد خدا را مددی که امید کرم‌همره این محمل کرد روی خاکی و نم چشم مرا خوار مدار
قایل تقسیم‌بندی هستند. همان‌طور که میان ظلمت و نور بی‌نهایت رنگ خاکستری وجود دارد، شاخصه‌های معنابخش زندگی نیز برای هر طیفی از آدمیان متفاوت است و نمی‌توان الگویی خاص برای همه آنان در نظر بگیرد، که گرفت.

۱۴ آ‌یا معنای زندگی تاریخمند و زمانمند است، به ای‌سن معنا که در زمان و دوره‌هایی عواملی به زندگی انسان معنا می‌بخشد که بعدها معنابخش نیستند یا در سرزمین‌های دیگر زندگی به گونه‌ای دیگر معنا و مفهوم می‌شود؟

قطعا چنین است. در پاسخ پرسش نخست تا حدی به این موضوع اشاره کردم. برای توضیح بیشتر می‌توان گفت که زندگی مانند رود روانی است که هر لحظه محتوایی دیگری می‌یابد، زیرا به قول هرآکلیتوس آنچه در جهان واقعیت دارد تغییر و دگرگونی است و هر واقعیتی گذراست. هیچ چیز چنان نمی‌ماند که بوده است. به قول اقبال:
زندگی رود روان است و روان خواهد بود
ای‌سن می‌کهنه، جوان است و جوان خواهد بود

حقیقت ای‌سن است که به گفته دم‌وکری‌توس هیچ کس نمی‌تواند دو بار وارد این رودخانه شود؛ زیرا از زندگی تابع سیر زمان است و زمان یعنی تغییر. اگر تغییر نباشد یعنی تطور نیست و اگر تطور نباشد، بنابراین یعنی پیشرفت و تکامل نیست. بنابراین اصل زندگی در تغییر نهفته است که احوال زمانه بر آن مبتنی است و عامل تعیین‌کننده و اصلی در فهم معنای زندگی بر این اساس است که مولوی می‌گوید:
هر زمان مبدل شود، چون نقش جان
نو به نو بیند جهانی در عیان
بنابراین زندگی جریان‌ی است همراه با زمان. شاید

هم بشود گفت که زمان همان زندگی است و از آنجا که زمان حامل ارزش‌های فرهنگی و دیدگاه‌های بشری است، بنابراین زندگی تحت تاثیر است و نواندیشی‌هایی که در حوزه‌های مختلف زندگی صورت می‌گیرد حاصل همین سیوررت است. اکنون بسیاری از ارزش‌های گذشته از پویایی‌بازایستاده‌اند. امروزه آنچه «ساطیر» نامیده می‌شود و می‌دانیم بی‌ربط و افسانه‌اند روزگاری از ارزش‌های محوری زندگی یونانیان باستان بوده و پیروان‌شان برای آنها جان می‌دادند و جان می‌ستاندند. این جریان با پیشرفت علم و عقل همچنان سیر تکاملی خود را ادامه می‌دهد و طبیعتا به زندگی بشری معنایی متفاوت از آنچه بوده، می‌بخشد. آ‌تنی‌ها «آناکساگوراس» حکیم یونانی قرن پنجم پیش از میلاد را از آن جهت از شهر خود تبعید کردند که می‌گفت: خورشید خدا نیست.

۱۵ حکمای ایرانی چه برداشتی از زندگی داشته‌اند؟
نگاهی کلی به آثار به‌جای‌مانده از حکیمان و شاعران و عارفان ایرانی نشان می‌دهد که در زندگی طالب نشاط و شور و شیدایی بوده‌اند. عشق در آثار همه آنان جایی دارد و از ای‌سن خود مبین توجه آنان به جوشش حیات است. کام‌جویی از زندگی نه تنها در شاهنامه، بلکه در آثار شاعرانی مانند خیم، منوچهری، سنایی، نظامی، سعدی، مولوی، حافظ و جامی مورد تاکید قرار می‌گیرد. علاوه بر این، آنان زندگی توام با آگاهی و دانش را توصیه می‌کنند. به عقیده

ناصرخسرو:
مرگ چهل است و زندگی دانش
مرگ نادر و زنده دانا‌بان

شواهد فراوان می‌توان ارایه داد که پایه‌ریزان فرهنگ ایرانی زندگی بدون دانش را برابر با مرگ دانسته‌اند. شاید از این روست که در حدیثی آمده «گر علم در ثریا باشد ایرانیان بدان دست می‌یابند.»

۱۶ زندگی امروزی ما دارای چه محتوایی است؟

فرهنگی، سیاسی، اقتصادی یا معنوی؟
قرن حاضر را عصر ارتباطات نام داده‌اند؛ عصری که جهان به سبب پیدایی امکانات اعجاب‌انگیز ارتباطی به واقع تبدیل به روستایی کوچک شده و جوامع موجود همانند ظروف مرتبطه با یکدیگر پیوند دارند و فرهنگ‌ها در حالتی از تاثیر و تاثر به حیات خود ادامه می‌دهند. بر این اساس زندگی مفهومی تازه یافته و ارزش‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و معنوی در چارسوق فضای مجازی به ج‌وه درآ‌م‌ند که در نهایت به زندگی واقعی راه می‌برند. بنابراین زندگی ام‌روز‌ی همه جوامع با توجه به موارد یادشده امیزه‌ای است از تمامی عناصر ارزش‌هایی که تقریبا در همه کشورها به نوعی مطرح است، منتها در برخی از کشورها یکی از عوامل مورد بحث بیش از بقیه چهره می‌نماید. به نظر می‌رسد در کشور ما وضعیت اقتصادی دیگر عوامل را به شدت تحت‌تاثیر قرار داده، ذهن جمعی را به‌خود مشغول داشته و آب و نان یا به قول سنایی «دنده چاشنت» ذکر و فکر را از آنان ربوده، کار به جایی رسیده که موضوع اصلی حرف‌های بیماران در سی‌ی‌یو و معلمان و استادان در ساعات فراغت حول محور آب و نان است و بحث از سکه و دلار جای مباحثی مانند حرکت جوهری و حکمت متعالیه را گرفته.

۱۴ آیا دین عاملی معنابخش برای زندگی ماست؟

در جامعه‌ما به‌طور کلی چنین است، ولی فراموش نکنیم که دین هم معنایی دارد و نمی‌توان گفت که همه احاد جامعه تابع تعریفی واحد هستند. به گواهی تاریخ، ایران تنها کشور باستانی است که از دوران کهن دارای آیین‌های وحدانی بوده، بنابراین دین وحدانی با تاریخ دیرپای ایرانی ملازم‌ست دارد و این اصل در زندگی ایرانی معنایی بارز و مهم داشته است. فراموش نکنیم که اول بار ایرانیان بودند که گفتند: «خستین» آفریده خداوند عقل است» و اول بار ایرانیان بودند که خداوند را نور مطلق دانستند و تجسم آن را در آتشی که نمیرد عزیز دانستند. نتیجه اینکه زندگی ایرانی منهای دین معنای درستی ندارد.

۱۵ برای به دست آوردن معنای زندگی چقدر باید به فلسفه مرگ اندیشید؟

هر موجود و هر پدیده‌ای که به هستی می‌آید، نقیض آن نیز به همراه‌اش شکل می‌گیرد. سنایی می‌گوید:
زادگان چون رحم بپردازند/سفر مرگ را بیابازند
رلکه شاعر ا‌لمانی قرن ۱۹ گفته است که «در رحم هر مادری دو امر بالیدن می‌گیرد: مرگ و زندگی.» همین اندیشه را هایدگر هم بیان داشته: «همه در کشتی‌اند و س‌احل مرگ.» هرمان هسه نویسنده معروف ا‌لمانی در رمان سی‌س‌ن‌ا‌ر‌تا می‌گوید: «در هر نوزاد شیرخواره‌ی، مرگ نیز رشد می‌کند، به هر حال مرگ شاه و گنا نمی‌شناسد و به قول معروف ش‌رتی است که در هر خانم‌ی می‌خوابد.» از آنجا که «مرگ حق است» می‌تواند عاملی باشد برای معنا بخشیدن به زندگی، یعنی آدمی بداند که در طبع جهان وفایی نیست و اگر می‌ی‌ود، لقمه‌ای در کام اجل نمی‌نم‌ی‌ود و چون چنین است، طوری زندگی کند که پس از مر‌د‌ن نمیرد. این اندیشه‌ای است که سابق‌های طولانی در شعر عرفانی فارسی دارد. اندیشه مرگ عاملی تعدیل‌کننده است که می‌تواند آدمی را از انواع شهوت‌ها و زیاده‌روی‌ها بازدارد و در نتیجه آدمیان را به صفای باطن سوق دهد.

کوچک «سلفی‌ها» در ۹۴ صفحه و با طرح روی جلدی نه چندان جذاب اما در عین حال با ترجمه‌ای روان و عالمانه توانسته است شناسنامه روشنی را از جریان فکری و سیاسی مهمی به‌نام «سلفی‌ها» در اختیار خواننده فارسی‌زبان بگذارد؛ جریانی که پس از پیروزی برخی جنبش‌های موسوم به «پار غربی» در مصر و کشورهای شمالی آفریقا از نو خود را در عرصه سیاسی به ظهور رساند و حتی در جاهایی می‌رود که بخش‌های مهمی از قدرت سیاسی را در اختیار بگیرد. برای مثال نویسنده، «آخوان‌المسلمین» را جنبشی سلفی با اهداف و انگیزه‌های کاملا سیاسی می‌داند که می‌خواهد حکومتی نئوکراتیک (دینی) را جایگزین نظام‌های سکولار کند که استعمار غرب بر کشورهای مسلمان تسلیم کرده؛ گروهی که در کارنامه‌اش سازش با نظام سلطنت ملک فاروق و حتی اشغالگران خارجی از یک طرف و رویکردهای نظامی و مسلحانه و تروریستی از طرف دیگر دارد و همه را در پوشش «امر به معروف و نهی از منکر» توجیه می‌کند. در کل، نویسنده معتقد است آنچه ارایه کرده «مقاتلاتی ساده با هدف روشنگری خواننده» و روشنفکران برای ترک اطلس اندیشه دینی دردم‌نیده و پیچیده اسلام معاصر نیست بلکه بیشتر برای مرزبندی و حل اختلافات آنها به دور کنج‌کاوی‌های آکادمیک و ایده‌آلیستی و جدل‌های سفسطه‌آمیز و تعصب‌های کورکورانه» است.

سلفی‌گری به دلیل سطره، تداول و پی‌درپی بودنش در تاریخ معاصر کشور‌های اسلامی نوعی «فدائست» پید‌ا می‌کند و پایه‌های مبارزه با دشمنان خارجی و مستبدان داخلی، تجددگرایان را هم گناهکار شناخته و دستاوردهای نوگرایانه آنها را بدعت و گمراهی معرفی می‌کند. سلفی‌گری به دلیل ناکامی‌ها و ناتوانی‌هایش دچار درون‌گرایی و انزوا شده و به همان میزان از تندروی و افراط‌گرایی سر‌در آورده است.

گپ

مصاحبه با علی اصغر عبداللهی به بهانه بازنشر «اسرار تخت جمشید» علمی نیست اما فروش خوبی دارد خدیجه معصومی

■ شرق – گروه کتاب: چندی است در فهرست کتاب‌های منتشرشده جدید با فهرستی از کتاب‌های قدیمی مواجه می‌شویم که مربوط به دهه‌های پیشین بوده ولی به عنوان کتاب چاپ اول معرفی شده‌اند. نویسندگان این کتاب‌ها سال‌هاست در قید حیات نیستند و حتی برخی از موضوعات مورد استفاده ایشان در اثر مرور ایام با تغییرات فاحش ارایه و اجرا می‌شوند. در اینجا این پرسش پیش می‌آید که جریان انتشار این کتاب‌ها به عنوان چاپ اول به چه منظور و چگونه صورت می‌گیرد؟ در این‌باره با **علی‌اصغر عبداللهی**، مدیر نشر «دنیای کتاب» که **مصحح** برخی از انواع این نمونه‌ها، از جمله کتاب «**اسرار تخت جمشید**» نوشته مرحوم «غلام حسین مقتدر» بوده است، گفت‌وگو کرده‌ایم.

۱۴ کتاب اسرار تخت جمشید ظاهرا توسط شما تصحیح و گردآوری شده است، از روند اجرای این کار بگویید.
این کتاب سال ۱۳۳۴ شمسی توسط مرحوم مقتدر نگاشته شده و چون ایشان در رژیم پهلوی مقام سرلشگری داشت کتاب توسط ارتش آن زمان چاپ شد. پس از اینکه کتاب به دستم رسید و آن را مطالعه کردم متوجه مفید و مختصر بودن مطالب آن شدم ولی چون تعداد صفحات آن ۱۰۰ صفحه بیشتر نبود، تصمیم گرفتم با ملحقاتی آن را سر و سامان داده و چاپ کنم. به این خاطر از مقالات مرحوم «علی سامی» که سال‌ها ریاست میراث فرهنگی را به عهده داشت و از تصاویر مربوط به کتاب «ام‌ت‌ن‌ا‌ری خاک» از مرحوم «سی‌س‌م‌ج‌م‌د تقی مصطفوی» که از کارمندان عالی رتبه میراث فرهنگی بود نیز در کتاب بهره بسیار جستم. البته در اجرای این کار از کمک و مشورت یکی از دوستان که از کارمندان بازنشته میراث فرهنگی است هم استفاده کردم. طبق قولتی هم که وجود دارد ۲۰ سال پس از فوت بر مولفی اثر وی ملی قلمداد شده و ناشران می‌توانند با اقدام به تصحیح، چاپ جدیدی از کتاب را داشته باشند. از زمان رحلت این افراد هم حدود ۳۵ سال گذشته است.

۱۵ اما کتاب، بدون هیچ توضیح با نشانه‌ای که ملحقات شما را از متن اصلی جدا کند، منتشر شده است!

چون قصد من این بود که کتاب به صورت یکدست بدون نمایان شدن دوگانگی در آن ارایه شود تا لطمه‌ای نبینند. من سعی بسیار در یکپارچگی و تلفیق مطالب کتاب داشتم تا خواننده درگیر پراکندگی مطالب نشود، به این دلیل توضیحاتی را برای آن در نظر نگرفتم. در هر حال بخش اول کتاب از مقالات مرحوم سامی گردآوری شده و قسمت میانی کتاب مطالب مرحوم مقتدر را در میان دارد و بخش پایانی با تیتسر جداگانه «ام‌ت‌ن‌ا‌ری خاک» شامل عکس‌های کم‌ظئیری است که توسط مرحوم مصطفوی گردآوری شده که حتی امروز هم برای مخاطب دارای جذابیت بسیار است.

۱۶ باوجودی که این کتاب‌ها از نقاط قوت کتاب محسوب می‌شوند ولی کیفیت مناسبی ندارند.
یکی از تصاویر بسیار جالب و دیدنی این مجموعه مربوط به قرعه‌کشی ایافت شده در تخت‌جمشید بین افراد حکومتی است که در نوع خود بی‌نظیر است و قبلا در هیچ مجموعه‌ای به چاپ نرسیده. البته تصاویری را هم به این قسمت اضافه کردم از جمله تصویر مربوط به منشور کوروش و حتی تصویر مربوط به آتش‌زدن تخت جمشید توسط اسکندر مقدونی که متعلق به «روشه گروس» فرانسوی بود. در رابطه با کیفیت ضعیف عکس‌ها هم علت این است که این تصاویر به صورت چاپ روزنامه‌ای موجود بود که تاثیر زمان بر مرکب و کاغذ از کیفیت آن بسیار کاسته است. هر چند سعی بسیار شد که با امکانات موجود از تصاویر اسکن تهیه شود ولی نتیجه کار همان شد که در کتاب مشاهده می‌کنید. مرحوم مصطفوی در اکثر عملیات حفاری منطقه تخت جمشید حضور داشته و حتی حفاری و بازایی لو‌ج‌های طلا و نقره‌ای پنهان در زیر ستون‌های اصلی را از نزدیک شاهد بوده است. در مجموعه ام‌ت‌ن‌ا‌ری خاک، ایشان توضیحات مفصلی هم ذیل هر تصویر ارایه کرده و حضور وی در تصاویر هم دیده می‌شود.

۱۷ شما حتی مقدمه یا پیشگفتاری را هم در ابتدای کار اضافه نکرده‌اید تا این توضیحات لازم را در خود داشته باشد.

چون خودم را قابل و لایق نمی‌دانستم که نامی از من در کنار اسامی بزرگ‌لی چون مرحوم سلمی و مقتدر و مصطفوی باشد و تنها دربارگراف پایانی کتاب، هنگام درج تشکر از کسانی که به چاپ این اثر کمک کردند، نام خودم را هم آوردم. من بضاعت علمی لازم را برای مطرح کردن خودم ندارم و آنچه به اجرا درآوردم حاصل سال‌ها تجربه بوده و بس. من حتی تا ۱۴سالگی سواد چندانی نداشتم ولی ادامه تحصیل دادم و چند سالی را هم در محضر مرحوم «آیت‌الله مجتهدی» به طلبگی در علوم قدیمه پرداختم.

۱۸ اگر کتاب به چاپ بعدی راه پیدا کند چه تغییراتی را لازم‌الاجرامی داندید؟
همان‌طور که شما هم اشاره کردید در مقدمه یا پیشگفتاری مراحل گردآوری و تصحیح اثر درج و فهرست منابع را هم کامل خواهم کرد تا این کاستی جبران شود. البته ممکن است کمی این تغییرات زمان‌بر باشد چون در حال حاضر کتاب لب‌التواریخ و تاریخ عمومی هم مرحوم عباس اقبال را به همین صورت در دست تصحیح دارم.